

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی سال اول - شماره اول - بهار ۱۳۹۱

نشریه بامداد؛ ارگان انجمن اتحادیه اصناف تهران*

دکترحجت فلاح توتکار
استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

انجمن اتحادیه اصناف با آغاز به کار مجلس اول تاسیس شد و یکی از انجمن‌های فعال و پرنفوذ در دوره مجلس اول بود این انجمن که از گروه‌های مختلف صنفی تشکیل شده بود به خودآگاهی گروه‌های صنفی اهتمام می‌ورزید. انجمن اتحادیه اصناف نسبت به رویدادهای مهم واکنش نشان می‌داد. این انجمن برای بیان دیدگاهها و دغدغه‌های خود در باب مسایل مختلف در آغاز نشریه‌ای با عنوان انجمن اصناف منتشر کرد. پس از مدتی این نشریه تغییر نام داد و با نام نشریه بامداد منتشر می‌شد. این نشریه به مثابه ارگان انجمن اتحادیه اصناف عمل می‌کرد. برخی از نخبگان مشروطه‌خواه چون یحیی دولت‌آبادی در انتشار این نشریه همکاری می‌کردند. دولت‌آبادی از آغاز شکل‌گیری انجمن اتحادیه اصناف با این انجمن مرتبط بود و چون مشاوری برای آن انجمن عمل می‌کرد. نوشتار حاضر تأملی بر دیدگاههای نشریه بامداد ارگان انجمن اصناف می‌باشد. از نشریه بامداد چند شماره‌ای در دست است. همین شماره‌های باقی‌مانده نشان از تاثیر انقلاب مشروطیت در تکامل افکار اصناف است.

واژگان کلیدی:

انجمن اتحادیه اصناف، نشریه انجمن اصناف، نشریه بامداد، مجلس اول، دولت‌آبادی.

* تاریخ دریافت: ۸۹/۰۸/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۰/۰۱/۱۸

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: hojjat.Fallah@yahoo.com

مقدمه

انجمن اتحادیه اصناف تهران یکی از انجمن‌های فعال و اثرگذار مشروطه‌خواه در دوران فعالیت دوره نخست مجلس شورای ملی یا عصر مشروطه اول است، (یزدانی، ۱۳۷۵-۱۳۷۶؛ ۲۱-۴۸، خرابی، ۱۳۸۶؛ ۴۵۵-۴۶۱). توضیح و تبیین فعالیت انجمن اصناف را در دوره مجلس اول در نوشتار دیگری بررسی کرده‌ایم (فلاح توتکار، ۱۳۸۵؛ ۱۱۳-۱۲۴). انجمن اتحادیه اصناف برای بیان دیدگاهها و دغدغه‌های خود در باب مسایل اساسی سیاست و اجتماع آروز به انتشار نشریه‌ای برآمد. این نشریه در آغاز با عنوان انجمن اتحادیه اصناف به مدیریت سید مصطفی تهرانی (سمسار) که نماینده صنف (سمسار، حلاج، لحافدوز، کهنه فروش) در مجلس اول بود منتشر می‌شد (تهرانی: ۱۳۸۱، مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۵۶). یحیی دولت‌آبادی که در تاسیس انجمن اتحادیه مرکزی اصناف تلاش کرده بود نویسنده و مشاور اصلی این نشریه بود. نشریه انجمن اصناف به طور هفتگی در تهران منتشر می‌شد و بنا به گزارش براون (براون: ۲/۲۳۱) و صدر هاشمی (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۱/۲۹۳) شماره سوم این نشریه به تاریخ هشتم رمضان ۱۳۲۵ منتشر شده است. نشریه انجمن اصناف در چهار صفحه به قطع ۸/۵ در ۱۴/۵ سانتیمتر بود و وجه اشتراک سالیانه آن در تهران یک تومان و در ممالک خارجه ۵ فرانک بود. از نشریه انجمن اصناف شماره‌ای بدست نیاورده‌ایم تنها در فهرست مجموعه میکروفیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۴۸۱ ذکری از نشریه انجمن اصناف رفته است، اما پس از جستجو مشخص شد که نسخه‌ای از این نشریه وجود ندارد.

نشریه انجمن اصناف پس از چند شماره تغییر نام داد و با نام «بامداد» منتشر شد. بامداد چون ارگان انجمن اتحادیه مرکزی اصناف بود. دولت‌آبادی در باب چگونگی انتشار نشریه انجمن اصناف و تغییر نام آن چنین گزارش می‌دهد «بالجمله نگارنده در این ایام به خیال تاسیس روزنامه افتاده با انجمن اصناف صحبت می‌دارم و به دستگیری آقا سید مصطفی نام از نمایندگان اصناف در مجلس روزنامه‌ای موسوم به انجمن اصناف دایر می‌نمایم، زحمت نگارش این روزنامه هم مزید زحمات من می‌شود بعد از چند نمره نام آن را بامداد می‌گذارم و کار اداره آن را به غلامعلی خان قاجار که در کار مدارس در جلد اول این کتاب نام برده شده واگذار می‌نمایم» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲/۱۶۳). از این رو سخن صدرهاشمی مبنی بر اینکه نشریه انجمن اصناف و بامداد «یک در میان» منتشر می‌شد درست نمی‌نماید.

انتشار نشریه بامداد به عنوان ارگان انجمن اتحادیه اصناف مورد استقبال روزنامه‌های آن دوران قرار گرفت. حبل‌المتین یومیه در شماره ۱۶ که به تاریخ شنبه ۱۶ شوال ۱۳۲۵ منتشر شد در باب انتشار نشریه بامداد چنین نگاشته است « بامداد روزنامه‌ایست هفتگی که در اوراق بزرگ معادل اوراق جریده مجلس به همت انجمن محترم اصناف مشتمل بر عالیترین مطالب با لهجه اعتدال و مسلک استقامت و زبان نصیحت و طبع خوش جهان مطبوعات را روشن می‌سازد، مقالات شیرین نافع در طی عبارات ساده می‌نویسد که خواننده را به شوق می‌آورد. الحق در عداد جراید نمره اول ایران محسوب و معدود است» (حبل‌المتین یومیه، سال اول، شماره ۶۸، ۴). روزنامه ندای وطن که توسط احمد الاسلام کرمانی منتشر می‌شد نیز در استقبال از انتشار نشریه بامداد، در شماره ۱۲۴ پنج‌شنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۵ چنین آورده است:

«روزنامه مبارکه بامداد متعلق به انجمن اصناف مشتمل بر مقالات سیاسی و قوانین اساسیه مدیر روشن ضمیرش جناب آقای سید مصطفی از وکلای محترم مجلس مقدس شورای ملی است» (ندای وطن، سال اول، شماره ۱۲۴، ۳). اما اشتباه روزنامه ندای وطن این بود که مدیر مسئول بامداد را سید مصطفی تهرانی ذکر کرده است. آنچه که اکنون از نشریه بامداد در دسترس ماست شماره‌های ۲۰، ۱۳، ۹ است. این سه شماره در مجموعه میکروفیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۴۹۱ نگهداری می‌شود.

مضامین و محتوای نشریه بامداد

مشخصات نشریه بامداد در شماره ۹ که در تاریخ دوشنبه ۱۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ منتشر شد چنین ذکر شده «صاحب امتیاز غلامعلی‌خان قاجار، اداره مرکزی طهران، محله هفت تن در انجمن اتحادیه عموم اصناف هفته یک مرتبه یوم دوشنبه طبع و یوم چهارشنبه توزیع می‌شود». وجه اشتراک سالیانه نشریه در تهران یک تومان، سایر ولایات ایران به ضمیمه قیمت پست ممالک خارجه پنج فرانک است. قیمت هر شماره در تهران سه شاهی، سایر ولایات چهار شاهی و ممالک خارجه پنج شاهی بود. بر بالای عنوان بامداد، عبارت «... مع‌الجماعه» و بر پائین عنوان، عبارت «انجمن اتحادیه مرکزیه اصناف» ذکر شده

است. نشریه بامداد هدف و چگونگی انتشار مطالب را نیز چنین بیان کرده است « روزنامه آزاد است، مسلکش بیدار نمودن ایرانیان خاصه عموم اصناف دارالخلافت طهران از طریق کشف حقایق بحث می‌کند از امور سیاسی و منافع عامه و فواید صنفیه و مصالح راجع به رفع نواقص صنفی و تکمیل صنایع، مکتوباتی؛ که به اداره برسد و مخالف مذهب و اساس مشروطیت نباشد به اسم صاحبش مجاناً درج خواهد شد. لویجی که به اداره می‌رسد درج بشود یا نشود صاحب آن حق استرداد ندارد» (بامداد، سال اول، شماره ۱، ۹).

سرمقاله شماره ۹ بامداد با عنوان « عریضه حضور اعلیحضرت همایونی خلد... ملکه » به قلم یحیی‌الحسینی (دولت‌آبادی) است. نویسنده در این نوشتار در خطاب به شاه زمینه‌های تضاد شاه و ملت را مورد بررسی و تبیین قرار داد. نویسنده به شاه توصیه کرد که به ستیز با ملت پایان دهد، ستیز و نزاعی که زمینه آن را بدخواهان و مفسدان فراهم می‌سازند تا از این میان «به مقصود خود برسند» بدخواهان با القای «عداوت ما بین پادشاه و ملت» بر آن هستند تا از طریق مقربان دربار و سلطنت به اهداف خود برسند. آنها مقربان شاه را و می‌دارند، تا در نزد پادشاه به بدگوئی از ملت پردازند و «افترا به ملت زنند و ملت را بدخواه پادشاه قلمداد کنند». همین بدخواهان پس از اینکه ذهنیت پادشاه را نسبت به ملت بدگمان ساختند به میان ملت می‌آیند و این مساله را طرح می‌کنند که «امروز پادشاه درباره ملت چنین و چنان گفت». چنین است که نویسندگان مدافع ملت هم آن سخن را درست پنداشته و در نوشته‌ها و مکتوبات خود به اعتراض برمی‌خیزند و از شاه و دربار بدگوئی می‌کنند. نویسنده بر این باور است که بدخواهان بطور مستمر به این فرآیند بدبینی میان شاه و ملت دامن می‌زنند. نویسنده که خود را «خادم ملت و خیرخواه سلطنت» می‌خواند با برحذر داشتن پادشاه از گوش سپردن به چنین القائاتی از وی می‌خواهد که به جای خواندن «شبنامه‌های مغرضین» و «گفته‌ها و نوشته‌هایی که از حدود ادب تجاوز نموده» که حواشی شاه و بریاد دهندگان تخت و تاج کیان برای شاه می‌آورند به مطالعه روزنامه‌هایی پردازد که «جز نصیحت و بیدار نمودن پادشاه و ملت مسلکی نداشته باشد». پادشاه باید از مقربان و حواشی دربار بخواهد که این نوشته‌ها را برای او بیاورند «باید مطبوعات بی‌غرضانه را خواند نصایح مشفقانه را شنید بر عقاید صحیح ملت واقف گردید، خیالات ترقی‌خواهانه ملت را پیروی کرد، دست مفسد و مغرض را به قوت اتحاد ملی از دامن پاک دولت و ملت کوتاه نمود نام خود را سردفتر اخبار ایران و ایرانیان ساخت». نویسنده به محمدعلی شاه یادآور می‌شود که «زبان بدگویان ملت را قطع» نمایند

و «راه اتصال حقیقی خود را به ملت ساده بی‌غرض باز کنند» و به جای نزدیکی و مشاوره با بدخواهان ملت و دولت « اشخاص دولت‌خواه حقیقی و ملت‌خواه واقعی را انیس و جلیس خود سازد» (همان، ۱-۲). این سرمقاله را دولت‌آبادی نزدیک به یک ماه پس از ماجرای توپخانه و عهد و سوگند شاه در وفاداری به مشروطیت و مجلس نگاشته است. اما سیر حوادث نشان داد که محمدعلی شاه که موجودیت پادشاهی استبدادی خود را در ستیز با آزادی مطبوعات و حقوق ملت می‌دید نه تنها از خیرخواهان واقعی مشورت نمی‌خواست بلکه با اصرار به نگهداشت همان مقربان بر باده تاج و تخت چون امیر بهادر جنگ می‌پرداخت و سرانجام به بمباران مجلس و پایان نهادن به اساس مشروطیت پرداخت.

در شماره ۹ بامداد مطالبی تحت عنوان «تاثیر قانون اساسی» آمده است که در آن نویسنده به برشمردن دلایل نحوه انتخاب نمایندگان به مأخذ صنفی پرداخت که به دلیل «ضیق وقت» ارباب حل و عقد در نهایت شتاب انجام کار انتخاب را درخواست داشتند و در «تاخیر آفات بود» و به «ملاحظات» فوری مملکت ظاهرالصلاحی را مبنای انتخاب گرفته بودند. البته «پاره‌ای عصیبت‌ها» هم در نقص کار انتخاب نمایندگان دخیل بود: خاصه در انتخابات تهران سخن این بود که از آن سلسله چرا «فلان باشد و من نباشم» یا اینکه «رئیس فلان دسته من بودم پس وکیل هم من باید باشم». نویسنده که مجلس شورای ملی را «قوت پای ملت» می‌داند معضل اساسی نمایندگان را در عدم آگاهی و فقدان علم دانسته و متذکر می‌شود که نماینده مجلس باید حداقل اطلاعات و معلومات داشته باشد، سواد خواندن و نوشتن بلد باشد و مقدمات حساب و جغرافی را بداند و از نقشه مملکت خود آگاهی داشته باشد.

در نهایت نویسنده از نمایندگان انتظار دارد اکنون که از وظیفه وکالت ملت بر نمی‌آیند «اقلا از عهده وظایف انصاف و دیانت و مسلمانی خود برآیند» (همان، ۳). موضوع دیگری که در شماره ۹ آمده ادامه مطلب شماره ۸ نشریه بامداد است. «مکالمه سیاح آمریکایی با دانشمند آسیائی» است که در آن دو نفر در باب مزایای محدود کردن قدرت مطلقه سلطان به گفتگو پرداختند. در آن مکالمه یکی از مزایای محدود کردن قدرت پادشاه این مساله ذکر شده که در دوره مشروطه دیگر نمی‌توان از روی میل و هوس حکم راند، بلکه باید قبل از مجازات هرکسی ابتدا جرم و تقصیرش را در دیوان عدالت ثابت کند آنگاه حکم راند. یکی دیگر از مزایای مشروطیت تعیین بودجه دربار توسط ملت است و این مساله قبل از هر

چیز به نفع خود شاه و خاندان اوست «اما امروز که ملت حقوق شما را معین کرده نه شما و زرو و بال ملت را بدوش خود گرفته‌اید که مال مردم را به مفت خورهای بی‌دین بدهید و نه گرفتار خواهش زید و عمرید». و پس از مرگ شاه جانشین و اولاد وی هم «همه مالدار و غنی هستند» (همان، ۳-۴). این مکالمه یکسر به قصد آگاهی بخشیدن به پادشاهی بود که سلطنت خود را با بنیادهای مشروطیت سازگار نمی‌خواست و دربار او، آکنده از «مفت خورهای بی‌دین» بود.

در شماره ۹ بامداد همچنین مطالب دیگری از جمله مکتوب میرزامهدی دولت‌آبادی از اصفهان در ستایش از نشریه بامداد و انجمن اتحادیه اصناف بود. همچنین مطلبی تحت عنوان «ترجمه اخبار داخله» که عباراتی به طنز در انتقاد از اوضاع زمانه، ادارات دولتی و فعالان سیاسی روزگار بود (همان، ۴).

شماره ۱۳ نشریه بامداد به تاریخ شنبه ۲۶ محرم ۱۳۲۶ منتشر شده است. عنوان سرمقاله آن «قابل توجه هیئت رئیسه مجلس مقدس» می‌باشد که نویسنده پاسخ چرایی اینکه «مملکت ما دچار انقلاب است» و وزارتخانه‌ها خراب است و کابینه وزراء به سرعت تغییر می‌کند و مستبدین باز به فتنه‌گری مشغول هستند و دهها معضل اساسی دیگر را در این می‌داند که «دیگ بخار ماشین مملکت»، یعنی «مجلس شورای ملی» نمی‌جوشد. نویسنده این عدم جوشش را عدم آگاهی مجلس به مسئولیت‌های اساسی خود می‌داند. نویسنده برای حل این معضل و رفع این نقص اساسی از هیات رئیسه مملکت می‌خواهد که «یکی از کتابهای اولیه پارلمانهای دنیا را که نتیجه تجارب سیصد ساله عقلای عالم است» ترجمه کند و آن را به تصویب مجلس رسانده تا همه کس «از رئیس گرفته تا دربان دم در احدی از هیچ فصل از فصول کتاب تخلف نکند» (همان، سال اول، شماره ۱۳: ۲-۱).

در این شماره مطلبی تحت عنوان «تربیت دختران» است که ادامه مطلب از شماره قبل است. نویسنده مطلب از ضرورت آموزش دختران و آراستن آنان به علم و تربیت سخن گفته است. نویسنده بر این مطلب تاکید می‌کند که آموزش دختران ایرانی به همان معانی که زنان اروپایی آموزش می‌بینند نیست چرا که آن «بی‌نهایت ضرر دارد و هیچ وقت روا نیست که دختران ما را به اصول پرورش دختران اروپایی بیورانند و بالاخره مردان رتبه زیر دستی زنان عطا کنند». بلکه «مراد از پرورش دختران این است که ابتدا در سن شش یا هفت سالگی خواننده و نویسنده شوند و سواد خواندن و نوشتن تحصیل نمایند و آداب دین و آئین خود را خاصه در مسائل مخصوصه زنان بیاموزند و آداب خانه و شوهر و

اولادداری را فراگیرند و علم حفظ صحت بخوانند و از اوضاع عالم و ترقی و تنزل امم فی‌الجمله با خبر گردند» و آگاهی‌های لازم را به گاه حمل و ولادت فرزندان و رفاه و تربیت آنان لازم است فراگیرند و هنرهای نیکو در ماکولات و ملبوسات و «صنایع لطیفه» و «عقاید حقه مشروعه» تحصیل کنند «تا با کمال شرف و افتخار به خانه شوهر روند و دوره زندگانی خود را با شرافت و عزت و راحت به آخر برسانند و همه اسباب خوشبختی برای خود و شهر و اولاد فراهم بیاورند». نویسنده همچنین از وضع کنونی آموزش دختران که برخی از هموطنان به آن مبادرت می‌ورزند و معلمان مرد به خانه آورده تا به آموزش دختران بپردازند یا دختران خود را در نزد برخی «معلمه‌های معمولی» یا به «مدارس اجانب» می‌فرستند را سخت مورد انتقاد قرار داد و ضرر و زیان آن را یادآور شد. نویسنده ضرورت تاسیس مدارس دختران را که تحت نظارت «وزارت جلیله معارف» باشد را متذکر می‌شود تا هریک از «خواتین محترم که اهل علم و فضل باشند» در این «دارالعلم دوشیزگان» بتوانند به آموزش دختران مشغول شوند و «اسباب سعادت و خوشبختی را برای بنات ملت فراهم» آورند (همان: ۲).

این توجه نشریه بامداد به آموزش دختران به احتمال زیاد به همکاری کسی چون دولت‌آبادی با آن نشریه مربوط است. البته تکاپوی زنان نیز در این دوره زمینه‌ساز پرداختن نشریاتی چون بامداد به ضرورت آموزش دختران بود (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۴۲-۲۹).

در این شماره بامداد همچنین مطلبی با عنوان «مدعی العموم» آمده که در آن به کاستی‌ها و معضلات دستگاه قضاوت کشور پرداخته شده است. نویسنده راه برون رفت از معضلات کنونی قضائی را تنظیم «دستورالعملی» براساس ترتیبات جدید «دولت متمدنه» می‌داند تا براساس آن محاکم قضائی عمل کنند «و عدلیه را به این نهج که امروز در دول متمدنه معمول است ترتیب» دهند. این مساله البته «منافات با دستورالعمل صاحب شریعت ندارد بلکه ممد اجرای اوامر مطاع شرعیه است». با اجرای این دستورالعمل است که دیگر محاکم قضائی نخواهند توانست خودسرانه عمل کنند و جلوی «تجاوزات نامشروع» گرفته خواهد شد؛ چرا که تنها نمی‌توان به «رادع باطنی» یعنی عقیده مذهبی مباشرین امور عدلیه اکتفا کرد بلکه باید رادع بیرونی و قانونی ترتیب داد تا اساس و مبنای هر عمل و قضاوتی قرار گیرد (همان: ۳).

در این شماره نیز با عنوان «تاثیر قانون اساسی عطف بر ماسبق» به مزایای اجرای قانون اساسی پرداخته شده است. با اجرای قانون اساسی دیگر چون دوره استبداد عده‌ای «بیکار و مفت‌خوار» که حاشیه‌نشین دربار بودند نمی‌توانند به جان ملت افتاده و از دسترنج ملت به زندگی انگلی بپردازند. بلکه اجرای قانون اساسی باعث می‌شود که این‌گونه بیکاران به دنبال کار روند و «تحصیل معاش مشروع» کنند. نویسنده در خطاب با این‌گونه بیکاران می‌نویسد «اگر کسی از احمقان قوم به شما ایراد کرد که خلاف رتبه و شان شما است به دهانش بزنید و بگوئید لنگر زمین و آسمان مولای متقیان امیر مومنان که ما افتخار به غلامی او داریم برای خارج مذهب کار می‌کرد و مزد می‌گرفت و عار نداشت اگر این کار را کردید، آن وقت قانون اساسی در وجود شما اثر خود را نموده است» (همان: ۳).

نشریه بامداد در این شماره با عنوان «قابل توجه اداره محترم بلدیة» اداره بلدیة را به سامان دادن «اوزان و اکیال» متذکر می‌شود تا از آن طریق «در رفع و دفع موانع ارزانی ارزاق» شهر برآید نویسنده به ذکر تجربه ممالک متمدنه در از بین بردن «هرج و مرج اوزان و اکیال» به ارزیابی آن پرداخته است. نویسنده با طرح این مساله که پایان دادن به اختلاف «سنگ‌ها و قبان‌ها و ترازوها» فواید کلی برای دولت و ملت حاصل می‌شود بحث خود را نیمه تمام می‌گذارد و به دلیل عدم دسترسی به شماره بعد بامداد نمی‌دانیم که پیشنهادات نویسنده برای سامان دادن به «اوزان و اکیال» چه بوده است (همان: ۴-۳).

نشریه بامداد در همین شماره، با مطلبی تحت عنوان «تاثیر ماشین دروغ‌سازی یا تقلید بی‌جا» به مساله انتشار برخی اخبار دروغ توسط دولت‌ها برای «پیشرفت مقاصد پولتیکی» اشاره کرده است، مساله‌ای که در ایران تنها بخاطر «مقاصد شخصی شیطانیه» دست به این تقلید بی‌جا می‌زنند و با انتشار شبنامه‌ها و پراکندن اخبار دروغ زمینه‌ساز نزاع میان پادشاه و ملت می‌شود و همین رویه نادرست بود که «در حادثه غریبه بعد از ظهر روز جمعه ۲۵ محرم وقعه نارنجک انداختن به کالسکه شاه و کشته شدن جمعی بی‌گناه» شد. نویسنده بر این باور است که طرح نزاع شاه و ملت که زمینه‌ساز واقعه بمب انداختن به کالسکه شاه شده است از اساس نادرست است و دولت و ملت باید به جای نزاع و بدبینی نسبت به هم «طریقه اعتدال» پیشه کنند و با بی‌اعتنائی به این جعلیات آتش افروزانه «اتفاق و اتحاد» بکوشند (همان، ۴). اما چنان که می‌دانی این تمنای نویسنده تمنای محالی بود چرا که شاه مستبد به چیزی جز از بین بردن اساس مشروطیت رضایت نداشت.

شماره ۲۰ نشریه بامداد در چهارشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ منتشر شد. سرمقاله این شماره با عنوان «دست خدا بالای دستهاست» به موضع‌گیری گروه‌های مختلف در برابر انقلاب مشروطه ایران پرداخته است. نویسنده این موضع‌گیری و دیدگاه‌های گروه‌های مختلف را به چهار دسته تقسیم می‌کند. یک جریان همان مشروطه‌خواهان حقیقی هستند که «جان و مال و عرض و آبروی خود را در راه مشروطیت و استقبال سعادت ملت بر کف دست گرفته‌اند». جریان دوم یا «صنف دوم» مستبدین یعنی ستمگران هستند که با مشروطیت از بنیاد در ستیزند و جریان سوم مذذبین یعنی رفیقان دزد و شریکان قافله هستند که «شمشیر استبداد را زیر عبای مشروطیت می‌بندند و روز مشروطه و شب مستبد» می‌گردند. گروه چهارم، اشخاص بیطرفی هستند که هنوز سر از خواب غفلت برنداشتند. نویسنده بر این باور است که از میان این گروه‌ها، گروه دوم یعنی مستبدین چندان قدرتی ندارند و نمی‌توانند خطری جدی برای انقلاب باشند چون ماهیت استبدادی و ستمگری‌شان آشکار و روشن است اما خطر اساسی که متوجه بنیاد مشروطیت است از گروه سوم یعنی، مشروطه نمایان هستند که از میان آنها «از جمله شیطان‌های مجسم و مستبدان مهم یکی سید محمد یزدی است» نویسنده سرمقاله به پیشینه سراسر تاریک و استبدادی سید محمد یزدی از وعظ مشروطه‌خواه و از برپا کنندگان تحصن مشروطه‌خواهان در حضرت عبدالعظیم و از بازیگردانان فتنه میدان توپخانه بود می‌پردازد که؛ با همکاری همفکران خود شبنامه‌ها و اعلاناتی با امضای «انجمن بهائیان» منتشر ساخته بود که مضمون آن طرح ارتباط جنبش مشروطه‌خواهی با بهائیان بود. آنها با انتشار چنین شبنامه‌هایی قصد آن داشتند که متدینین را نسبت به اساس و بنیاد مشروطیت دچار تردید کنند. اما آن اوراق را که سید محمد یزدی به دست «نوکرش حیدرعلی نام» داده بود به همت حاج ابوالحسن توتون فروش که از اعضای انجمن ارومیه بود «حیدرعلی» به دست پلیس افتاد و به عدلیه سپرده شد. وی در استنطاق و بازجویی محرک این کار را سید علی یزدی عموی سید محمد اعلام کرد اما پس از احضار سید علی آقا معلوم شد که محرک اصلی این اقدام فتنه‌انگیز سید محمد یزدی بوده است (همان، سال اول شماره ۲۰، ۳-۱؛ کسروی، ۱۳۶۳: ۵۵۹-۲/۵۶۰).

در همین شماره همچنین مطلبی با عنوان «دروغ را فروغی نیست» با امضای محفوظ آمده و در آن به انتقاد از لایحه‌ای پرداخته است که از سوی یکی از کارکنان وزارت

«عدلیه اعظم» به اداره روزنامه بامداد ارسال شده و منتشر شده بود. نشریه بامداد متذکر شد که باید وزارتخانه‌ها نظامنامه‌ای تنظیم کنند تا هر کسی از موضع خود به عنوان آن وزارتخانه نظری ندهد یا مطلبی منتشر نسازد (بامداد، سال اول، شماره ۲۰: ۳-۴).

جدا از محورهای بالا که در سه شماره موجود در دسترس ما مورد بحث قرار گرفت. این سه شماره همچنین در بر دارنده اعلان‌ها و آگهی‌ها هم می‌باشد. جای بسی تاسف است که از شماره‌های دیگر بامداد اطلاعی نداریم. تنها دولت‌آبادی در خاطرات خود از سرمقاله شماره ۱۹ نشریه بامداد سخن گفته و اینکه متن اولیه آن را که لحنی تند داشته تغییر داده مطلبی با عنوان الصلح‌الخیر در ضرورت سازگاری و آشتی میان دربار و مشروطه‌خوهران به بحث پرداخته است (دولت‌آبادی، ۱۳۷۰: ۲/۲۲۵).

از انقلاب مشروطیت تا روی کار آمدن رضاشاه نشریات انجمن اصناف و بامداد تنها نشریاتی بودند که بطور خاص از سوی اصناف منتشر شدند. هرچند در نشریات کارگری این دوران از مسایل پیشه‌وری سخن فراوان رفته است. نشریه دیگری که تنها از عنوان آن آگاهی داریم نشریه ندای اصناف است که خبر انتشاراتی آن را روزنامه رعد در تاریخ یکشنبه ۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۷ ذکر کرده بود «هیئت نمایندگان اصناف همدان تصمیم کرده‌اند که جریده به نام ندای اصناف تاسیس کرده و امتیاز آن را برای آقا میرزا صادق خان فرزند حاجی جعفر که تحصیلات خود را در سوئیس نموده و از طرف هیئت نمایندگان اصناف سمت رابطی دارد خواستار می‌شود» (رعد، سال هفتم، شماره ۹۸: ۲) اما از اینکه ای نشریه ندای اصناف موفق به اخذ امتیاز و انتشار شده اطلاعی نداریم و در هیچ یک از فهرست‌های موجود مطبوعات این دوران ذکری از این نشریه نشده است.

نتیجه

بحث خود را جمع‌بندی می‌کنیم. نشریه بامداد همچون ارگان انجمن اتحادیه اصناف، بیانگر دغدغه‌های سیاسی- اجتماعی اصناف تهران بود. این نشریه همچنین رویکردهای اتحادیه اصناف را نسبت به رویدادهای مرتبط به دوره مجلس اول را بیان کرد. این نشریه همچنین فضایی ایجاد کرده بود که روشنفکرانی چون یحیی دولت‌آبادی از طریق این نشریه با گروه‌های صنفی مرتبط شوند و به آموزش سیاسی اصناف بپردازند. این روشنفکران از طریق این نشریه به انتقال ایده‌های سیاسی و فرهنگی نوین به اصناف برآمده بوده‌اند. اینکه نشریه‌ای چون بامداد به ضرورت آموزش دختران توجه می‌کند به یقین بر بنیاد تأثیری

است که کسانی چون دولت‌آبادی در آن نشریه داشتند. نشریه بامداد بیان نگرشی سیاسی و فکری انجمن اتحادیه مرکزی اصناف تهران بود که بر مثنی «اعتدال» پای می‌فشرده. در چند شماره‌ای که در دسترس بود آنها تلاش پیگیری برای کاستن تضاد شاه و ملت انجام دادند، تلاشی که به دلیل رویکرد مطلق‌العنانی شاه ناکام ماند. محمدعلی شاه به چیزی جز انهدام مجلس و مشروطیت نمی‌اندیشید. هرچه بود نشریه بامداد چون ارگان انجمن اصناف نمونه روشنی از تاثیر مشروطیت بر بیداری توده مردم بود.

منابع

- ۱- براون، ادوارد، «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران»، ترجمه و تحشیه و تعلیقات تاریخی و ادبی به قلم محمد عباسی، چاپ اول، تهران، کانون معرفت.
- ۲- تهرانی، سید مصطفی. (۱۳۸۱). «سفرنامه گوهر مقصود»، به کوشش: زهرا میرخانی، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب-سازمان میراث فرهنگی.
- ۳- خارابی، فاروق. (۱۳۸۶). «انجمن‌های عصر مشروطه»، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۴- خسروپناه، محمد حسین. (۱۳۸۲). «هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی»، چاپ دوم، تهران، پیام امروز.
- ۵- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، «حیات یحیی»، چاپ ششم، تهران، عطار- فردوسی.
- ۶- صدر هاشمی، محمد. (۱۳۶۳). «تاریخ جراید و مجلات ایران»، چاپ دوم، اصفهان، کمال.
- ۷- فلاح توتکار، حجت. (۱۳۸۵). «فعالیت‌های سیاسی انجمن اتحادیه اصناف تهران»، فصلنامه فرهنگ مردم، سال پنجم، شماره، ۱۸.
- ۸- کسروی، احمد. (۱۳۶۳). «تاریخ مشروطه ایران»، چاپ شانزدهم، تهران، امیر کبیر.
- ۹- یزدانی، سهراب. (۱۳۷۵-۱۳۷۶). «انجمن‌های ملی در مشروطیت ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، دوره جدید، سال چهارم و پنجم. روزنامه‌ها

۷۴ / نشریه بامداد؛ ارگان انجمن اتحادیه اصناف تهران

- ۱۰- بامداد، (۱۳۲۵-۱۳۲۶ ق)، سال اول، شماره، ۲۰، ۱۳، ۹.
- ۱۱- حبل المتین (۱۳۲۵ ق) سال اول، شماره ۶۸.
- ۱۲- رعد (۱۳۳۷ ق)، سال هفتم، شماره ۹۸.
- ۱۳- ندای وطن (۱۳۲۵ ق)، سال اول، شماره ۱۲۴.